

# کیمیا

گرایش به الگو و تأثیرپذیری از آن در امور مختلف زندگی فردی و اجتماعی، از جمله گرایش‌های فطری انسان است و فطرت کمال جوییبی انسان او را و اما می‌دارد تا برای رسیدن به هدف و کمال از بهترین الگوها استفاده کند.از طرفی قرآن کریم که برای هدایت انسان و پاسنگونی به نیازهای فطری او نازل شده است، کامل‌ترین الگوها را پیامبر اکرم – صلی الله علیه و آله وسلم– و اهل بیت آن حضرت برمی‌شمارد و به‌صراحت آنها را به عنوان برترین الگوها معرفی می‌کند. حضرت فاطمه زهرا – سلام الله علیها– از جمله الگوهای معرفی شده از این خاندان مطهر است. با این همه، شبهه‌ای که در فضای مجازی و غیر مجازی مطرح شده و می‌شود این است؛ زنی که در عصر صنعت و تکنولوژی زندگی می‌کند، چگونه می‌تواند زندگی حضرت زهرا– سلام الله علیها– را سرمشق و الگوی زندگی خود قرار دهد؟مطلب حاضر درصدد پاسخگونی به این سؤال است.

اسلام به عنوان آخرین و کامل ترین دین، هر گه چپاره قرن پیش توسط خاتم انبیا، بر جامعه بشری عرضه شدند، است، اما برای همه زمانها و تمامی انسانهاست. همین طور، کسانی که تجسم کامل دین و تبلور عینی قرآن و وحی الهی اند و ما از آنان به عنوان الگوی هدایت و اسوه تکامل نام می‌بریم، برای همه انسان‌ها و در همه زمان‌ها الگو هستند و در مورد آنها دوزخ و امروز مطرح نیست. آنان همواره اسوههای روز و فراتر از زمانند؛ زیرا ما هر قدر مراتب رشد و کمال می‌یابیم،باز آنان جلوتر و ممتاز ترند. به عبارت دیگر، آنان چون تمامی مدارج تکامل را پیموده‌اند، در واقع در هر نقطه از مسیر هدایت، حضور دارند، برای هر مرتبه تکامل و هراسناکی الگو و اسوه‌اند.البته جامعه و شرایط زندگی هر دوره با دوره دیگر تفاوت دارد؛ اما سخن بر سر شرایط نیست. اسوه‌های انسانی هیچگاه محصور در یک دوره و شرایطی خاص نیستند، و مگر نه توانستند الگو قرار گیرند.

# الگوپذیری از حضرت زهرا(س) در عصر حاضر؛ چرا و چگونه؟

الگوپذیری انسان امروز از آن بزرگواران در واقع، یافتن راه‌ها، خطوط اصلی زندگی اسوه‌های دینی و چگونگی رسیدن به کمال و شکوفاسازی استعدادها است و این مسئله ارتباطی به زمان و مکان خاصی ندارد.

«این شبیهه از اینجا نشأت می‌گیرد که برخی تصور می‌کنند با تغییر زمان و سبک زندگی، ارزشهای اخلاقی و معنوی نیز تغییر می‌کنند و جای فضایل با ردزایل عوض می‌شود؛ درحالی‌که آنچه تغییر و تحول پیدا می‌کند، عنصر زمان و مکان و ابزارهای است که متفاوت است در آن ظهور و بروز پیدا می‌کند.» مفاهیمی مانند حق، تقوا، احسان، راستگویی، صبر، حیا، عفت و پاکدامنی همیشه پسندیده و قابل ستایش بوده و باطل، ظلم، دروغگویی، بی‌عفتی و افشای آن در همه زمانها ناپسندند است و با فطرت ذاتی انسان ساز می‌باشد و لذا فضایل زندگی، قابلها، امکانات، رنگها، طوابع مادی، تکنولوژی، زندگی در آسناامن خراشان موجب نمی‌شود جای عفت را با بی‌عفتی عوض کنیم، دروغ را زینا و راستگویی را زشت بدانیم.»<sup>[۱]</sup>

**تفکیک میان قالب و محتوای سیره‌ها**

الگوپذیری از حضرت زهرا – س- به دو صورت مستقیم و غیر مستقیم می‌تواند صورت پذیرد. الگوپذیری مستقیم آن است که گفتار و رفتار آن بزرگوار را عیناً برنامہ و راه رسم زندگی خویش قرار دهیم. در بعضی از موارد از جمله عبادت و دعا، با همان شکل و قالب رفتار می‌تواند اسوه و الگوی ما قرار گیرد. برای نمونه در روایات آمده است که حضرت زهرا – س- هر نماز واجب ذکر مخصوص می‌باشند. (تحریریه آمله اکبر، ۳۳ مرتبه الحمدلله، ۱۱- مرتبه سبحان الله) ذکری که دستور آن را به عنوان هدیه‌های عظیم از پدر بزرگوارشان دریافت کرده بود و همواره بر آن مداومت می‌ورزید و به ششیمان خویش نیز توصیه می‌کرد. از این رو، ما نیز به آن حضرت اقتنا می‌کنیم و همان ذکر را با همان ترتیب بعد از هر نماز واجب به عنوان تقویات نماز می‌گویم. چنین اقتدائی به آن بزرگوار،

**آنچه در پی می‌آید گزیده‌ای از نظرات و دیدگاه‌های عالمانه و تحلیلی رهبر معظم انقلاب در مورد جشن ملی نوروز نگاه اسلام نسبت به آن است که در طی سال‌های اخیر توسط معظم‌له بیان شده است.**

\*\*\*

«برانی زیرک مسلمان، نوروز باستانی را با عقیده خود و به شکل دلخواه خود، تغییر داده؛ باطن و صورت نوروز را نگه داشت، محتوای آن را عوض کرد. نوروز باستانی، نوروز پادشاهان بود، فرصتی برای سلاطین و حکماء مستبد بود برای اینکه شکر خود و عظمت ظاهر خود را به رخ بکشند و باطنیکنند و بنشینند از آنها هدیه بپذیرند. حتی در زمان بنی‌امیه و بنی‌عباس که نوروز به دربارهای خلافت اموی و عباسی وارد شد، همان رفتار و سیره پادشاهان و کسریان فارسی باستان در دربار آنها عمل می‌شد. اما ایرانی مسلمان، این نظم را، این قالب را به‌عق خود تغییر داد؛ اگرچه این تغییر به‌صورت دفعی انجام نگرفته است اما شما امروز بعد از گذشتن قرن‌ها، مشاهده می‌کنید که نوروز بهانه‌ای وسیله‌ای است برای ارتباط قلبی میان مردم و میان مبدأ عظمت و عزت، یعنی ذات مقدس باری تعالی. در نوروز ایرانی، حقیقت نوروز یک حقیقت مردمی است؛ مردم به‌مناسبت نوروز با یکدیگر با صفا و محبت رفتار می‌کنند؛ به یکدیگر تبریک می‌گویند و هدیه می‌دهند. رسم و سنت باستانی و پادشاهی، امروز بعد از گذشت سالها و قرن‌ها، در نوروز وجود ندارد. در ایام نوروز و تحویل سال، نو، شلوغ‌ترین و پربازحادثترین مراکز در کشور به‌طورا م ما عبادت است از بارگاه‌های مقدس ائمه و امام‌زادگان (سلام الله علیهم).... بنابراین این نوروزی که امروز ما داریم، نوروز باستانی نیست، نوروز ایرانی است؛ نوروز ملت مسلمانی است که از قالب این مراسم کهن، توانسته است برای خود سرمایه‌ای فراهم کند و به سمت هدفی‌های خود پیش برود.»

**بیانات در حرم مطهر رضوی، ۱۳۹۴/۱/۱.**

**عید نوروز یک عید شرقی و حامل ارزش‌های برجسته و ممتاز**
«عید نوروز یک عید شرقی و حامل ارزش‌های برجسته و ممتازی است. در واقع عید نوروز یک نماد است؛ نماد ناواری و طراوت و جوانی و نشاط، همچنین نماد مهربانی و محبت به یکدیگر، سرکشی برادران از یکدیگر، محبت خانواده‌های خویش‌اند به یکدیگر، محکم کردن روابط دوستی و مهربانی میان دوستان، آشنایان و زدودن کینه‌ها، چون بهار، مظهر طهارت است؛ مظهر نشاط است و تواضع ما در مقابل پروردگار. در واقع فرصتی است برای اینکه انسان دل خود را با یاد خدا هم طراوت ببخشد. در کشور ما رسم بر این است؛ سال‌های متماده است که روز نوروز و ساعت تحویل، مردم در عیادت‌نگاه‌ها و زیارت‌نگاه‌ها و مراکز معنوی جمع می‌شوند و از خدای متعال طلب می‌کنند، طلب برکت می‌کنند؛ سال خوبی را برای خودشان و برای دیگران از خداوند متعال طلب می‌کنند و می‌خواهند. بنابراین نوروز مناسبت خیلی بارزتر و برجسته‌ای است؛ هم از لحاظ معنوی، هم از لحاظ ملی، هم از لحاظ بین‌المللی میان ملت‌هایی که نوروز را گرامی می‌دارند.»

**بیانات در دیدار رؤسای جمهوری شرکت‌کننده در جشن جهانی نوروز، ۱۳۹۱/۱/۷.**

**عید نوروز؛ سرآغاز طراوت طبیعت و جهان و دل و جان**
عید نوروز، سرآغاز طراوت طبیعت و جوان شدن جهان و تازه شدن فضای زندگی طبیعی انسان است و یک‌نیکوست که همراه با طراوت جان و دل انسان هم طراوت پیدا کند؛ طراوت جان و دل با ذکر خدا و با خرواست کمک از پروردگار، با رویتدن نهال خیرخواهی و نیک‌خواهی برای همه برادران و خواهران و برای همه بشریت. رسم نوروز در درون خود زیبایی‌های زیادی را دارد؛ علاوه بر اینکه در هر نقطه، ایرانیان این لحظه تحویل را با نام خدا و با خرواست تحول اساسی در زندگی‌شان

گرایش به الگو و تأثیرپذیری از آن در امور مختلف زندگی فردی و اجتماعی، از جمله گرایش‌های فطری انسان است و فطرت کمال جوییبی انسان او را و اما می‌دارد تا برای رسیدن به هدف و کمال از بهترین الگوها استفاده کند.از طرفی قرآن کریم که برای هدایت انسان و پاسنگونی به نیازهای فطری او نازل شده است، کامل‌ترین الگوها را پیامبر اکرم – صلی الله علیه و آله وسلم– و اهل بیت آن حضرت برمی‌شمارد و به‌صراحت آنها را به عنوان برترین الگوها معرفی می‌کند. حضرت فاطمه زهرا – سلام الله علیها– از جمله الگوهای معرفی شده از این خاندان مطهر است. با این همه، شبهه‌ای که در فضای مجازی و غیر مجازی مطرح شده و می‌شود این است؛ زنی که در عصر صنعت و تکنولوژی زندگی می‌کند، چگونه می‌تواند زندگی حضرت زهرا– سلام الله علیها– را سرمشق و الگوی زندگی خود قرار دهد؟مطلب حاضر درصدد پاسخگونی به این سؤال است.

## حضرت فاطمه(س): از رسول خدا(ص) شنیدیم که روز قیامت دانشمندان اسلام در برابر خدا حاضر می‌شوند و به اندازه علم و تلاش و کوششی که در راه آموزش و هدایت مردم داشته‌اند، از خدای خود پاداشی می‌گیرند.

اسوه پذیری غیر مستقیم خواهد بود. الگو پذیری غیر مستقیم آن است که روح و حقیقت گفتار یا کردار آن اسوه الهی را در کتیب و با تحلیل و استنباط از سیره علمی و عملی آن بزرگوار، وظیفه خویش را در همه ابعاد زندگانی (فردی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و ... ) دریابیم. بسیاری از شکل‌ها و قالب های رفتاری اسوه‌ها ویژه شرایط خاص بوده است؛ از این رو، منظور از اسوه پذیری از آن رفتارها این نیست که همان قالب و شکل رفتاری خاص را اقتباس و تقلید کنیم؛ بلکه مطلوب و مقصود این است که روح و محتوای آن سیره رفتاری را در کتیب و آن را در شکل‌ها و کالبدهای نوین، طبق اقتضای شرایط زمانی و مکانی خویش تحقق دهیم. برای نمونه در روایات می‌بینیم که حضرت فاطمهٔ زهرا علی مرتضی - علیهما السلام- در یک چهارم دپواری کوچک و گلین زندگی می‌کنند.از یک پوست گوسفند، به عنوان روز اندازشان استفاده می‌کنند. حضرت زهرا - س- چادری از لپف خرما می‌بافد و از آن استفاده می‌کند. قالب و شکل این گونه رفتارها به هیچ وجه در عصر حاضر قابل تأسی نیست؛ اما آنچه از رزمندگی قابل تأسی است، «حقیقت» «محتوا» و «روح» این رفتارهاست. اسوه‌پذیران مقصود این‌اند که روح این رفتارها را در ک و اقتباس کنند و در کالبد زندگی خویش به اجرا گذارند؛ مانند روح بی‌اعتنایی به دنیا و حقیر شمردن مظاهر فریبندهٔ آن، روح پارسایی و رستگی از حَٔب دنیا، روح ساده زیستی و برهیز شدید از تجمل‌گرایی»<sup>[۲]</sup>

**الگوگیری از حضرت زهرا(س) در رفتار با پدر**

حضرت زهرا درشت‌بین شدن هفت سالگی قرار داشت که قضیهٔ شعب ابی‌طالب پیش آمد. شعب ابی‌طالب، دوران بسیار سختی در تاریخ صدر اسلام است؛ یعنی دعوت پیامبر اکرم شروع شده بود، دعوت را علنی کرده بودند، بتدریج مردم مکه - بخصوص جوانان و برده‌ها - به حضرت می‌گرویدند؛ بزرگان طاغوت، مثل ابولهب، ابوجهل و دیگران دیدند که هیچ چاره‌ای ندارند جز اینکه پیامبر و

# معارف Maaref@Kayhan.ir

# عید نوروز

الگوگیری از حضرت زهرا (س) در رفتار با همسر
در طول ده سالی که پیامبر(ص) در مدینه حضور داشت، حدود نه سالش حضرت زهرا و حضرت امیرالمؤمنین - علیهما السلام- به عنوان زن و شوهر در کنار یکدیگر زندگی می‌کردند. در این نه سال، حدود شصت جنگ اتفاق افتاده که در اغلب آنها امیرالمؤمنین - علیه السلام- شرکت داشته است. حالا شما ببینید او خانمی است که در خانه نشسته و شوهرش مرتب در جبهه است و اگر در جبهه نماند، جبهه لنگ می‌ماند؛ از لحاظ زندگی هم وضع رو به راهی ندارند؛ انسان چقدر روحیه قوی داشته باشد تا بتواند این شوهر را تجهیز کند، دل او را از وسوسه اهل و عیال و گرفتاری‌های زندگی خالی کند؛ به او دلگرمی بدهد؛ چجها را به آن خوبی که ایشان تربیت‌کرده، تربیت کند؛ این طور خانهداری و شوهداری را به توان برآید یک دختر جوان، در یک خانم خمدار! الگو باشو!»<sup>[۳]</sup>

**الگوگیری از حضرت زهرا(س) در رفتار با فرزند**

یسا که وقت در برخورد عاطفی و منطقی حضرت زهرا در می‌یابیم که آن بانوی بزرگوار، در ساختن روح و شخصیت فرزندان گرامی‌اش از ابزارهای بسیار ظریف و دقیق استفاده کرده است که بسیاری از آنها در حال حاضر، میان روان‌شناسان تربیتی مورد بحث و بررسی قرار گرفته و خبرگان این فن، به نتایج مثبت آن ایمان آورده‌اند. بی‌شک، این توفیق بی‌نظیر در تربیت کودکان، ناشی از معرفت عمیق و مستقیم‌اند است. از این رو چاره که پیروان ارادتمندان مکتب اسلام، با به کار بزرگواران به مدت سه سال در این ملک ساکن شدند و در این مدت در محاصره و تحریم کامل اقتصادی قرار داشتند. این دوره، یکی از دوران‌های بسیار سخت و طاقت‌فرسای پیامبر(ص) بود. در همین اثنا، جناب ابی‌طالب و خدیجه کبری که از پشتیبانان و امید پیامبر بودند، در ظرف یک هفته از دنیا رفتند. حضرت فاطمه زهرا در این دوره بر مستقیم و طاقت فرسا، احساس مسئولیت می‌کرد و مثل یک مادر، یک مشاور و یک پرستار، تلاش می‌کند تا غبار غم و اندوه و مشکلات را از چهره پدر بزداید؛ لذا پیامبر گرامی اسلام از ایشان به عنوان «امایه‌ها» (مادر پدرش) یاد کرده است. آیا این نمی‌تواند برای یک نوجوان و ترین نیازهای او محسوب می‌شود، بدین جهت، کودکان محروم از این موهبت، دچار

# الگوپذیری از حضرت زهرا(س) در عصر حاضر؛ چرا و چگونه؟

**منظور از اسوه پذیری از رفتارهای اسوه‌های الهی این نیست که همان قالب و شکل رفتاری خاص را اقتباس و تقلید کنیم؛ بلکه مطلوب و مقصود این است که روح و محتوای آن سیره رفتاری را در کتیب و آن در شکل‌ها و کالبدهای نوین، طبق اقتضای شرایط زمانی و مکانی خویش تحقق دهیم.**

پروانه تازه کرویده به ان حضرت را از مدینه ا حراج نشند؛ تعداد زیادی از اینها که ده‌ها خانوار می‌شدند از مکه بیرون کردند. جناب ابی‌طالب در نزدیکی مکه و در ششکاف کوه، ملکی داشت که از آن به «شعب ابی‌طالب» یاد می‌کرد. این بزرگواران به مدت سه سال در این ملک ساکن شدند و در این مدت در محاصره و تحریم کامل اقتصادی قرار داشتند. این دوره، یکی از دوران‌های بسیار سخت و طاقت‌فرسای پیامبر(ص) بود. در همین اثنا، جناب ابی‌طالب و خدیجه کبری که از پشتیبانان و امید پیامبر بودند، در ظرف یک هفته از دنیا رفتند. حضرت فاطمه زهرا در این دوره بر مستقیم و طاقت فرسا، احساس مسئولیت می‌کرد و مثل یک مادر، یک مشاور و یک پرستار، تلاش می‌کند تا غبار غم و اندوه و مشکلات را از چهره پدر بزداید؛ لذا پیامبر گرامی اسلام از ایشان به عنوان «امایه‌ها» (مادر پدرش) یاد کرده است. آیا این نمی‌تواند برای یک نوجوان و مثل ابولهب، ابوجهل و دیگران دیدند که هیچ چاره‌ای ندارند جز اینکه پیامبر و

# اهمیت و جایگاه عید نوروز از دیدگاه رهبر معظم انقلاب فلسفه «نوروز» و «روز نو»

آغاز می‌کنند، یکی از زیباترین رسمهای موجود در عید نوروز، رسم دید و بازدید و صلۀ ارحام و مستحکم کردن روابط و پیوندهای عاطفی میان افراد جامعه است. این را اگر با بعضی از جشنهای ملی ملت‌های دیگر - که همراه با کارهای غیر اخلاقی و به دور از این ارتباطات عاطفی است- مقایسه کنیم، آن وقت درمی‌یابیم که جشن ملی و آغاز سال نو ما ایرانیان علاوه بر تقارن با بهار طبیعت که یک امتیازی است، چه خصوصیات تجیبهانه و مهربانه‌ای در خود دارد. شادی دلها، لبخند و تبریک و خوشامدگویی به یکدیگر و بی گرفتن روابط انسانی و نو کردن محیط زندگی از رسوم بسیار خوب و مطلوبی است که ایرانیان از گذشته تا امروز به آن پایبند بوده‌اند و اینها همیین مظهر اصلی است که ایرانیان از گذشته تا امروز به آن پیام نوروزی به مناسبت حلول سال ۱۳۸۶/۱/۱۳۹۴.

**عید نوروز خوب است، اما در جهت درست**
«عید نوروز از نظر اسلام، مورد توجه خاصی قرار گرفته است. اگر چه این عید و این روز از قبل از اسلام باقی مانده است؛ ولی برخورد اسلام با این روز، یک برخورد سازنده و حکمت‌آمیز است. بعضی از تبلیغاتی‌های مروج دنیا که با همه چیز ملت و کشور و جمهوری اسلامی است، مثل طواف سحر و قربانی کردن، در این قضیه هم سعی می‌کنند برخورد غیرصادقانه‌ای با ملت ایران داشته باشند. آنها این‌طور وانمود می‌کنند که اسلام و انقلاب، با عید نوروز و سنت‌های ایرانی، مخالف است. این درست نیست.

منن ماایم جوانان عزیز، به خصوص فرزندان، به این مطلب، درست توجه کنند که اسلام در برخورد با پدیده‌هایی که از کشورهای و از ملت‌های دیگر، با از دوره‌های قبل به آن رسیده است، یک برخورد حکمت‌آمیز و همراه با دقت و نگاهیه همه‌جانبه دارد. هر چیزی که قابل این است تا محتوای صحیح پیدا کند، اسلام آن را می‌گیرد، به آن جهت و محتوای صحیح می‌دهد و در دسترس مردم می‌گذارد. مثلا بعضی از همین مراسم صحیح، مثل طواف سحر و قربانی کردن، از قبل از اسلام بود. اسلام، این مراسم را گرفت، محتوای شرک‌آلود، مادی و غلط را از آن خارج کرد و محتوای توحیدی به آن داد؛ آن را درک کرد و به صورت یک درس، به مردم برگرداند. کار خیلی عجیب و مهمی است. در باب عید نوروز و مراسم عید نوروز، هم همین‌طور، اسلام، عید نوروز را گرفت، محتوای انسانی اسلامی و معنوی به آن داد و به مردم برگرداند. اول سال تحویل، شما به دستور می‌گذارید. اما عید نوروز، این عید نوروز، خدا می‌داند که چقدر بی‌گناه، در مقابل تخت طاغوت‌های زمان به قتل می‌سیندند و چقدر دلها ناکام می‌شدند! این افتخاری ندارد. عید نوروز، عید مردم است، مراسم جشن و سرور و شاد بودن دلها خوب و مطلوب است؛ اما در جهت درست. این کاری است که اسلام کرده است؛ ما هم به فضل الهی به تبعیت اسلام، همین سیاستها را دنبال می‌کنیم. مردم هم همین را می‌خواهند و دل‌های مردم هم دنبال همین چیزهاست. مردم، با این چیزهایی که جنبه مادی دارد، مستقلان توجهی ندارند و اگر آن جنبه مردمی، یا یک جنبه انحرافی الهی‌ها می‌شود، مردم از آن رویگردانی هم دارند.»

**بیانات در دیدار زائرین و مجاورین حرم مطهر رضوی، ۱۳۷۸/۱/۱.**

«نظر هم آنچه که ملت ایران در باب عید نوروز انجام داده است، یکی از زیباترین و شایسته‌ترین کارهایی است که می‌شود؛ با یک مراسم تاریخی و سنتی انجام داد. اول سال شمسی ما ایرانیها، یعنی اول بهار - عید نوروز است. اولاً ملت ایران افتخار دارد که سال شمسی او هم سال هجری است؛ یعنی همچنان که سال قمری ما از مبدأ هجرت خاتم الانبیاء علیه و علی اله الصلاۀ والسلام است، سال شمسی ما هم مبدأ هجرت است. بقیه ملت‌های مسلمان برای سال شمسی خود، از سال میلادی استفاده می‌کنند؛ ولی ما ایرانیها، هجرت نبتی اکرم را، هم مبدأ سال قمری قرار دادیم، هم مبدأ سال شمسی.

این، اسلام و به آن نظر من نشانگر هنر و عشق و علاقه ایرانی به تعالیم مقدس است. ما هم اول منظر و مقدس نیوی است. در ضمن، اول سال را اول فصل بهار انتخاب کرده‌ایم، در حالی که مسیحیان، اول زمستان را اول سال قرار می‌دهند؛ البته فرق آنها با ما این است که ولادت حضرت مسیح، تاریخ مشخصی ندارد و یک مطلب حدسی است؛ در حالی که هجرت نبی مکرم اسلام، از نظر تاریخی کاملا دقیق و مشخص است، به هر حال ما اول بهار را اول سال خودمان قرار داده‌ایم که این هم یک ذوق و سلیقه ایرانی است. اول بهار، اول رویش

طبیعت، اول بیداری باغ و راغ و بوستان و اول بانددگی همه موجودات زنده است. این بهتر از زمستان است که وقت مردن و انجماد طبیعت و گیاه و نباتات است. در تعالیم انکته‌های وجود دارد که خوب است بردارن و خواهران به آن توجه کنند. اسلام با سنتهایی که از قبل از اسلام باقی مانده است، خود نوع رفتار می‌کند. اولاً بعضی سنت‌های غلط را که کلی از بین می‌برد و نابود می‌کند؛ چون سنت‌های درستی نیست. مثل اینکه عربها قبل از اسلام، دختران خودشان را نگه نمی‌داشتند، یا بیشتر ملت‌های غیرمسلمان، جنس زن را تحقیر و اهانت می‌کردند! اسلام این سنت را به‌کلی از بین برد؛ چون به‌کلی غلط بود.

ثانیا اسلام عین سنت‌ها را از بین نبرده است. کالبد سنت را نگه داشته و محتوا و روح آن را عوض کرده است؛ مثل بسیاری از اعمال و مراسم حج. این طوایی که از ملاحظه می‌کنید، قبل از اسلام هم بود؛ منتهای محتوای طواف، محتوای شرک بود؛ اسلام آمد و این عمل را از محتوای شرک‌آلود، خالی و از محتوای توحید پر کرد. طواف در آن زمان، مظهر گرایش انسان به الهه و ارباب ادعایی و پنداری بود؛ آن را تغییر داد و مظهر ارادت انسان به مرکز عالم وجود - یعنی حضرت حق متعال و وجود مقدس پروردگار - قرار داد. ظاهر را نگه داشت و باطن را عوض کرد.

اسلام در بسیاری از مواقع، با سنتها این کار را می‌کند. مردم ما عین همین کار را می‌کنند؛ نوروز را نگه داشتند و محتوای آن را عوض کردند. نوروز در ایران، جشنی در خدمت حکومت‌های استبدادی قبل از اسلام بود؛ به همین خاطر، است که «نوروز باستانی»، «نوروز باستانی» می‌گویند! اش خوب است، ولی «باستانی» اش بد است! «باستانی» یعنی اینکه همه این جشنهای دوره سال - باستانی «نوروز»، یا جشن «مهرگان»، یا جشنهای دیگری نظیر «خردادگان»، «هردادگان» و جشنهای گوناگونی که قبل از اسلام بوده است - در خدمت حکومت‌های استبدادی و سلطنت‌های پوسیده دوران جاهلیت ایران بود! محتوای نوروز، محتوای مردمی و خدایی نبوده؛ توجیه و ارادت به حضرت حق در

این بهتر از زمستان است که وقت مردن و انجماد طبیعت و گیاه و نباتات است. در تعالیم انکته‌های وجود دارد که خوب است بردارن و خواهران به آن توجه کنند. اسلام با سنتهایی که از قبل از اسلام باقی مانده است، خود نوع رفتار می‌کند. اولاً بعضی سنت‌های غلط را که کلی از بین می‌برد و نابود می‌کند؛ چون سنت‌های درستی نیست. مثل اینکه عربها قبل از اسلام، دختران خودشان را نگه نمی‌داشتند، یا بیشتر ملت‌های غیرمسلمان، جنس زن را تحقیر و اهانت می‌کردند!

اسلام این سنت را به‌کلی از بین برد؛ چون به‌کلی غلط بود. ثانیا اسلام عین سنت‌ها را از بین نبرده است. کالبد سنت را نگه داشته و محتوا و روح آن را عوض کرده است؛ مثل بسیاری از اعمال و مراسم حج. این طوایی که از ملاحظه می‌کنید، قبل از اسلام هم بود؛ منتهای محتوای طواف، محتوای شرک بود؛ اسلام آمد و این عمل را از محتوای شرک‌آلود، خالی و از محتوای توحید پر کرد. طواف در آن زمان، مظهر گرایش انسان به الهه و ارباب ادعایی و پنداری بود؛ آن را تغییر داد و مظهر ارادت انسان به مرکز عالم وجود - یعنی حضرت حق متعال و وجود مقدس پروردگار - قرار داد. ظاهر را نگه داشت و باطن را عوض کرد.

اسلام در بسیاری از مواقع، با سنتها این کار را می‌کند. مردم ما عین همین کار را می‌کنند؛ نوروز را نگه داشتند و محتوای آن را عوض کردند. نوروز در ایران، جشنی در خدمت حکومت‌های استبدادی قبل از اسلام بود؛ به همین خاطر، است که «نوروز باستانی»، «نوروز باستانی» می‌گویند! اش خوب است، ولی «باستانی» اش بد است! «باستانی» یعنی اینکه همه این جشنهای دوره سال - باستانی «نوروز»، یا جشن «مهرگان»، یا جشنهای دیگری نظیر «خردادگان»، «هردادگان» و جشنهای گوناگونی که قبل از اسلام بوده است - در خدمت حکومت‌های استبدادی و سلطنت‌های پوسیده دوران جاهلیت ایران بود! محتوای نوروز، محتوای مردمی و خدایی نبوده؛ توجیه و ارادت به حضرت حق در

**نوروز برای ملت ما، امروز خوب است از اولاً؛ توجه مردم به خدا، اول تحویل سال که می‌شود، مردم دعا می‌خوانند، «با محول الحول والاحوال» می‌گویند، آغاز سال را با یاد خدا شروع می‌کنند، توجه خود را به خدا زیاد می‌کنند. این، ارزش است. ثانیاً نوروز را بهانه‌ای برای دید و بازدید و رفع کدورت‌ها و کینه‌ها و محبت به یکدیگر قرار می‌دهند. این همان برادری و عطفوت اسلامی و همان صلر حم اسلام است؛ بسیار خوب است.**

**منن ماایم جوانان عزیز، به خصوص فرزندان، به این مطلب، درست توجه کنند که اسلام در برخورد با پدیده‌هایی که از کشورهای و از ملت‌های دیگر، با از دوره‌های قبل به آن رسیده است، یک برخورد حکمت‌آمیز و همراه با دقت و نگاهیه همه‌جانبه دارد. هر چیزی که قابل این است تا محتوای صحیح پیدا کند، اسلام آن را می‌گیرد، به آن جهت و محتوای صحیح می‌دهد و در دسترس مردم می‌گذار. مثلا بعضی از همین مراسم صحیح، مثل طواف سحر و قربانی کردن، از قبل از اسلام بود. اسلام، این مراسم را گرفت، محتوای شرک‌آلود، مادی و غلط را از آن خارج کرد و محتوای توحیدی به آن داد؛ آن را درک کرد و به صورت یک درس، به مردم برگرداند. کار خیلی عجیب و مهمی است. در باب عید نوروز و مراسم عید نوروز، هم همین‌طور، اسلام، عید نوروز را گرفت، محتوای انسانی اسلامی و معنوی به آن داد و به مردم برگرداند. اول سال تحویل، شما به دستور می‌گذارید. اما عید نوروز، این عید نوروز، خدا می‌داند که چقدر بی‌گناه، در مقابل تخت طاغوت‌های زمان به قتل می‌سیندند و چقدر دلها ناکام می‌شدند! این افتخاری ندارد. عید نوروز، عید مردم است، مراسم جشن و سرور و شاد بودن دلها خوب و مطلوب است؛ اما در جهت درست. این کاری است که اسلام کرده است؛ ما هم به فضل الهی به تبعیت اسلام، همین سیاستها را دنبال می‌کنیم. مردم هم همین را می‌خواهند و دل‌های مردم هم دنبال همین چیزهاست. مردم، با این چیزهایی که جنبه مادی دارد، مستقلان توجهی ندارند و اگر آن جنبه مردمی، یا یک جنبه انحرافی الهی‌ها می‌شود، مردم از آن رویگردانی هم دارند.»**

سوزن نلداختن نبود...خوب؛ حالا یک نفر هم پیدا می‌شود که از سر اشتباه و ندانم کاری، به جای مردم آرام رضا و مرقدم امام بزرگوار و مرقدم حضرت معصومه و مراسم معنوی، تخت جمشید را زنده می‌کند؛البته تخت جمشید، یک اثر معماری است؛ انسان، اثر معماری را تحسین می‌کند و چون متعلق به ما و مال ایرانیهاست، به آن افتخار هم می‌کند؛ اما این غیر از آن است که ما دلها و ذهنها و جلتهای مردم را متوجه به تعقل‌های کنیم که در آن خبری از معنویت نیست، بلکه نشانه طاغوتی گری است؛ در همان ساختمانها که امروز بعد از گذشت یکی دو هزار سال، ویران است، در زمان به مناسبت همین روز نوروز، خدا می‌داند که چقدر بی‌گناه، در مقابل تخت طاغوت‌های زمان به قتل می‌سیندند و چقدر دلها ناکام می‌شدند! این افتخاری ندارد. عید نوروز، عید مردم است، مراسم جشن و سرور و شاد بودن دلها خوب و مطلوب است؛ اما در جهت درست. این کاری است که اسلام کرده است؛ ما هم به فضل الهی به تبعیت اسلام، همین سیاستها را دنبال می‌کنیم. مردم هم همین را می‌خواهند و دل‌های مردم هم دنبال همین چیزهاست. مردم، با این چیزهایی که جنبه مادی دارد، مستقلان توجهی ندارند و اگر آن جنبه مردمی، یا یک جنبه انحرافی الهی‌ها می‌شود، مردم از آن رویگردانی هم دارند.»

**بیانات در دیدار زائرین و مجاورین حرم مطهر رضوی، ۱۳۷۸/۱/۱.**

«نظر هم آنچه که ملت ایران در باب عید نوروز انجام داده است، یکی از زیباترین و شایسته‌ترین کارهایی است که می‌شود؛ با یک مراسم تاریخی و سنتی انجام داد. اول سال شمسی ما ایرانیها، یعنی اول بهار - عید نوروز است. اولاً ملت ایران افتخار دارد که سال شمسی او هم سال هجری است؛ یعنی همچنان که سال قمری ما از مبدأ هجرت خاتم الانبیاء علیه و علی اله الصلاۀ والسلام است، سال شمسی ما هم مبدأ هجرت است. بقیه ملت‌های مسلمان برای سال شمسی خود، از سال میلادی استفاده می‌کنند؛ ولی ما ایرانیها، هجرت نبتی اکرم را، هم مبدأ سال قمری قرار دادیم، هم مبدأ سال شمسی.

این، اسلام و به آن نظر من نشانگر هنر و عشق و علاقه ایرانی به تعالیم مقدس است. ما هم اول منظر و مقدس نیوی است. در ضمن، اول سال را اول فصل بهار انتخاب کرده‌ایم، در حالی که مسیحیان، اول زمستان را اول سال قرار می‌دهند؛ البته فرق آنها با ما این است که ولادت حضرت مسیح، تاریخ مشخصی ندارد و یک مطلب حدسی است؛ در حالی که هجرت نبی مکرم اسلام، از نظر تاریخی کاملا دقیق و مشخص است، به هر حال ما اول بهار را اول سال خودمان قرار داده‌ایم که این هم یک ذوق و سلیقه ایرانی است. اول بهار، اول رویش

صفحه ۸
شنبه ۲۸ اسفند ۱۳۹۵
۱۹ جمادی‌الثانی ۱۴۲۸ - شماره ۲۱۵۸۸

کمبودها و مشکلات روانی و گاه نواقص جسمی خواهند شد. حضرت فاطمه(س) که خود از سرچشمه محبت و عطفوت رسول خدا سیراب گشته و قلبش کانون محبت به همسر و فرزندان خود بوده، در این جهت نیز وظیفه مادری خود را به بهترین شکل انجام داد. حضرت فاطمه فرزندان خود را به بازی و مسابقه تشویق و گاهی با آنان به بازی مشغول می‌شد و با حرکتها و گفتارهای شیرین مادرانه و بالا و پایین انداختن فرزندان خود آنان را از احساسات پاک مادری سیراب می‌کرد. نقل شده است که حضرت زهرا(س) با فرزندش امام حسن مجتبی(ع) بازی می‌کرد و او را بالا می‌انداخت و می‌فرمود: «پسرم حسن، مانند پدرت باش. ریسمان ظلم را از حق برکن. خدای را بپرست که صاحب نعمت‌های متعدد است و هیچگاه با صاحبان ظلم و تعدی، دوستی مکن.»

**الگوگیری از حضرت زهرا(س) در رفتار با مردم**
یکی از نقش آفرینی‌های درخشان فاطمه بالا بردن فرهنگ جامعه، رشد فکر و اندیشه مردم و رفع مشکلات و شبهات آنان است. آن حضرت از مسائل ساده گرفته تا پیچیده‌ترین مشکلات را پاسخگو بود و این مسیر نبوده، مگر با احاطه علمی، قوت فکری و همت بلند ایشان. این بانوی بزرگ اسلام، زجر تبلیغ و رنج تعلیم و تربیت را تحمل کرده، چون مشعلی فروزان در راه هدایت جامعه، نورافشانی کرده و با سوختن خود به دل و جان مردم، گرمی بخشید و پاسداری از ارزش‌ها و مفاخر اصیل، مبارزه پیگیر با بدعت‌ها، جهل، کجروی‌ها و رکود جامعه را خط مشی خود قرار داد. حضرت فاطمه از کودکی در متن اجتماع به سر برده و با مردم و همدم و همدرد بوده است. این بانو رابط‌های صمیمانه و عالمانه با یاران خود داشت. زنی به خدمت حضرت زهرا رسید و عرض کرد: پدر می‌برد و ناتوانی دارم که در نماز بسیار اشتباه می‌کند، مرا فرستاد تا از شما بیروم که چگونه نماز بخواند. آن حضرت فرمود: هر چه می‌خواهی بیروم. آن زن سوالات خود را مطرح کرد، تا به ده سؤال رسید و حضرت با روی گشاده جواب داد. زن از زیادی پرسش خود، شرمزنده شد و گفت: شما را بیش از این زحمت نمی‌دهم. حضرت فاطمه فرمود: باز هم بیروم. آنگاه برای تقویت روحیه وی چنین پرسید: اگر به کسی کاری واگذار کنند، برای مثال او از تو بخواهند که با سر سنگینی را به ارتفاع بلندی حمل کند و در برابر این کار صد هزار دینار به او جایزه بدهند، آیا او با توجه به آن پاداش احساس خستگی می‌کند؟ زن جواب داد نه. آن حضرت فرمود: من در مقابل پرسشی که جواب می‌گویم از خدا پاداشی به مراتب بیشتر دریافت می‌کنم و هرگز ملول و خسته نمی‌شوم. از رسول خدا شنیدم که روز قیامت دانشمندان اسلام در برابر خدا حاضر می‌شوند و به اندازه علم و تلاش و کوششی که در راه آموزش و هدایت مردم داشته اند، از خدای خود پاداش می‌گیرند.

از آنچه گذشت نتیجه می‌گیریم که منظور از اسوه‌پذیری این نیست که همه رفتارها همان قالب‌های رفتاری فرد الگو را مدنظر قرار داده و به همان شکل عمل کنیم. هر یک از رفتارهای حضرت فاطمه(س) دارای حقیقتی است که آن را به سادگی و با تحلیل و استنباط می‌توان در همه زمان‌ها و در همه ابعاد فردی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی به کار برد. البته رفتارهایی هم در سیره حضرت فاطمه وجود دارند که عیناً قابل اقتباس و پیروی است؛ مانند عبادت و دعا، نماز و مکان نشینند و در همه اعصار می‌توان برای الگوگیری به آنها مراجعه کرد. **بی نوشت‌ها:**

۱. مؤمنی، علی اکبر، الگوی زنان بعد از هر سال، سایت نییان، گروه خانواده و زندگی.
۲. مصباح، محمدرحقی، جامی از زلال کوی، لوح انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۰، ص ۹۴.
۳. بخشی از سخنان رهبر معظم انقلاب در جمعی از دانش‌جویان، به نقل از وبلاگ سرتیزین پناخ، به تاریخ ۱۳۷۱/۱/۱۳.

**مرکز مطالعات و پاسخگویی به شبهات حوزه علمیه قم**

طور می‌فهمم که حضرت، «روز نو» را معنا می‌کنند. منظور این است: امروز را که مردم، «نوروز» گذاشته‌اند، یعنی روز نو؛ روز نو یعنی چه؟ همه روزهای خدا مثل هم است؛ کدام روز می‌تواند «نوروز» باشد؟
شرط دارد، روزی که در آن اتفاق بزرگی افتاده باشد، نوروز است. روزی که شما در آن بناوباید اتفاق بزرگی را محقق کنید، نوروز است. بعد، خود حضرت مثال می‌زنند و می‌فرمایند: آن روزی که جناب آدم و حوّا، با بر روی زمین گذاشتند، نوروز بود؛ برای بنی‌آدم و نوع بشر، روز نوئی بود. روزی که حضرت نوح - بعد از طوفان عالمگیر - کشتی خود را به ساحل نجات رساند، «نوروز» است؛ روز نوئی است و داستان تازه‌ای در زندگی بشر آغاز شده است. روزی که قرآن به پیغمبر نازل شد، روز نوئی برای بشریت است - حقیقت قضیه همین است؛ روزی که قرآن برای بشر نازل می‌شود، مقطعی در تاریخ است که برای انسانها روز نو است - «روز» هم که امیرالمؤمنین علیه‌السلام به ولایت انتخاب شد، روز نو است. اینها همه، «نوروز» است؛ چه از لحاظ تاریخ شمسی، یا اول ماه «ختمل» مطلق باشد یا نباشد. این نیست که حضرت خواهند بفرمایند که این قضایا، روز اول «ختمل» - روز اول فروردین - اتفاق افتاده است. بخیر، بحث این است که هر روزی که این طور خصوصیات آن در اتفاق بیفتد، روز نو و «نوروز» است؛ چه اول فروردین، چه هر روز دیگری از اوقات سال باشد.

خوب؛ من حالا به شما عرض می‌کنم. روزی که انقلاب پیروز شد «نوروز» است، روز نوئی بود. روزی که امام وارد این کشور شد، روز نو برای ما نوروز بود. روز فتوحات عظیم این جوانان مؤمن و این ایثارگران ما در جبهه نبرد - علیه نظامیانی که از «اتنو» و «ورشو» و آمریکا و شوروی و خیلی از مراکز دیگر قدرت تغذیه می‌شدند - روز پیروزی جوانان ما - با ایمانان - بر آنها «نوروز» است؛ روز نو است. حال اگر شما می‌خواهید روز اول فرودین را هم برای خودتان روز «نو» و نوروز قرار دهید، شرط دارد. شرطش این است که کاری کنید و حرکتی انجام دهید؛ حادثه‌ای بیافرینید. آن حادثه در کجاست؟ در درون خود شما! ما مقرب القلوب والایصار، با مدبراللیل و الوعای، با محول الحول والاحوال، حوّل حالنا الی احسن الحال»؛ اگر حال خود را بهتر کردید، اگر توانستید گوهر انسانی خود را درخشان تر کنید، حقیقتاً برای شما «نوروز» است؛ اگر توانستید پیام انقلاب، پیام پیامبران، پیام امام بزرگوار و پیام خونهای مطهر بهترین جوانان این ملت را - که در این راه ریخته شده است - به دل خودتان منتقل کنید، برای شما «نوروز» است. عزیزان من سعی کنید روز اول فرودین این مکتب خودتان «نوروز» کنید. بعضی کسانی روز اول فروردینشان «نوروز» است؛ بعضی دیگران اول فروردین برای آنها از هر روز نحسی هم نخص تر باشد! اول فرودین - «نوروز» - برای آنهایی که در درون خود، به فساد و انحطاط گرایش پیدا می‌کنند، آنهایی که خود را از خدا دور می‌کنند، آنهایی که خود را از هدفهای بلند این ملت و این انقلاب جدا می‌کنند، نوروز نیست، روز عید نیست، روز جشن و روز شادی نیست؛ شوم است! این، آن حقیقت مسئله در باب نوروز است. پس «نوروز» به طور خلاصه خوب است، اول سال هجری شمسی است، روز نو، نوا، اول بهار، اول رویش و جوشش طبیعت و اول شروع زیباییها در تمام طبیعت است. این را برای خودتان هم با یادگیری و جوشش اول بهار نوروز دیگری قرار دهید و برای خودتان «روز نو» کنید.»

**پیام به مناسبت حلول سال نو، ۱۳۷۷/۱/۱.**

**مواظقت با عید نوروز و جشن برای عید**
«عید نوروز هم حقیقتی است؛ ما با عید نوروز موافقیم. کسی خیال نکند که عید نوروز از لحاظ اسلامی چیزی بدی است؛ هر کس چنین تصور ی‌کند، واقعاً